



--

استفاده از:

مجاز است.

1. But men of culture and poetry, it will be said, are again and again falling and falling conspicuously, in the necessary first stage to a harmonious perfection.

الف. اما مردان فرهنگ و ادب بارها خواهند گفت در ضرورت مرحله‌ی اول برای رسیدن به کمال و هارمونی به پا خاسته‌اند.

ب. گفته می‌شود، افراد اهل هنر و فرهنگ مکرراً "در اولین گام مهم برای حصول به کمال موزون سقوط کرده‌اند.

ج. اما باید گفته شود، اهل فرهنگ و شعر بارها و بارها در نخستین گام ضروری بسوی تکامل و هماهنگ همواره باناکامی مواجه شده‌اند.

د. اما اهل فرهنگ و هنر چندین بار بطور واضح در نخستین گام به یک دوباره و دوباره تکامل موزون رسیده‌اند.

2. The central idea of English life and politics is the assertion of personal liberty.

الف. عقیده‌ی مرکزی زندگی انگلیس و سیاستش رد آزادی شخصی است

ب. اندیشه‌ی اصلی سیاست زندگی در انگلستان، تاکید بر آزادی شخصی است.

ج. بیانیه‌ی آزادی شخصی، ایده مرکزی سیاست انگلیس است.

د. اعلام آزادی فردی، سیاست وزندگی انگلیسی‌ها است.

3. Our masses are quite as raw and uncultivated as the French.

الف. توده‌های ما به همان اندازه بی تجربه اندکه فرانسویها هستند.

ب. توده‌ی مردم ما دقیقاً "به خامی و ناآموختگی فرانسوی‌ها هستند.

ج. مردم ما کاملاً "مانند فرانسویها خام و بی فرهنگ هستند.

د. عوام جامعه درنپختگی و بی فرهنگی چون فرانسویها هستند.

4. As they call themselves, are kind enough to reassure us by saying that these are trifles, that a few transient outbreaks of rowdyism signify nothing.

الف. آنها آنقدر اعتماد به نفس دارند که فقط بخاطر نامیدن امور جزئی و گرداب عمیق خودشان را هنوز مهربان مینامند.

ب. چون آنها خودشان را آنقدر مهربان می‌خوانند که امور و شکستهای متغیر این آشوب و بلوا را چیزی بی‌پایه و اساس بدانند.

ج. از آنچاییکه آنها برای اطمینان خاطر ما با این گفته که اینها امور جزئی هستند و غایب از دستورالعمل آشوب بی معنی است، خودشان را مهربان می‌خوانند.

د. آنها چون این امور را بی‌پایه و اساس و همچنین فتنه را بی‌معنی می‌خوانند، خودشان را مهربان تصور می‌کنند.

5. I will carry out my lectures if they walk over my body as a dead corpse.

الف. من همه‌ی بیاناتم را به اتمام خواهم رساند اگرچه ممکن است با اهانت آنها مواجه شوم.

ب. من تمام سخنرانی‌هایم را انجام خواهم داد حتی اگر در این راه کشته شوم.

ج. من تمام سخنرانی‌هایم را اجرا خواهم کرد حتی اگر آنها مرا بکشند و پا روی جسد بیجان من راه بروند.

د. من تمام سخنرانی‌هایم را اجرا می‌کنم حتی اگر اونها پا روی نعش من بذارن.



## کارشناسی

حضرت علی(ع): ارزش هر کس به میزان دانایی و تخصص اوست.

گذ سری سؤال: یک(۱)



تعداد سوالات: تست: ۳۰ تشریحی: --

نام درس: ترجمه متون ادبی ۲

رشته تحصیلی/ گذ درس: زبان و ادبیات انگلیسی ۱۲۱۲۱۳۷

مجاز است.

استفاده از:

6. Accordingly, the secretary of state had to say that although the lecturer's language was "only fit to be addressed to thieves or murderers", yet, "I do not think he is to be deprived."

الف. بر این اساس وزیر ایالت مجبور بود اذعان نماید اگرچه زبان سخنران" فقط مناسب مخاطبان سارق و قاتلان بود"، با وجود این، "فکر نمی کنم که او می بایست بر کنار شود. "

ب. درنتیجه، منشی ایالتی مجبور بود این گفته را خاطرنشان کند که با وجودیکه زبان سخنران" فقط مناسب مخاطبان سارقین و قاتلین بود" ، "من فکر نمیکنم که او باید به سخنرانی ادامه دهد. "

ج. از آنجاییکه، رازدار دولت زبان سخنران را فقط مناسب مخاطبان طبقه‌ی عوام میدانست" از اینرو، "سخنران می بایست بر کنار شود. "

د. دبیر ایالتی اذعان داشت از آنجاییکه" بیانات ناطق فقط وصف حال طبقه‌ی پایین جامعه میباشد" ، از اینرو، "ایشان باید استعفا بدهد. "

7. In as much as they are humanity's most signal manifestation of it.

الف. آنها والاترین خصوصیات آدمیت را دارند.

ب. از آنجاییکه آنها جلوه‌ی زیاد انسانیت را نمایان میسازند.

ج. آنها در واقع بیانگر بیشترین احساسات بشری هستند.

د. تا آنجاییکه آنها مظہر نشان بشریت میباشند.

8. Who dwell too exclusively on them already?

الف. چه کسی بیشتر از همه با آنها زندگی کرده است؟

ب. چه کسی پیش از منحصراً" وقتی رابه آنها اختصاص داده است؟

ج. چه کسی آنقدر زیاد و منحصر بفرد با او نهاده است؟

د. چه کسی قبل از آنقدر با آنها جنگیده است؟

9. To define beauty, not in the most abstract but in the most concrete terms possible.

الف. برای بیان زیبایی، نه در انتزاعی ترین بلکه در عینی ترین شرایط ممکن.

ب. اگر بخواهیم زیبایی را مجسم کنیم نه تنها به شکل معمول بلکه به شکل منحصر بفرد ممکن.

ج. به منظور نشان دادن زیبایی، نه بعنوان اسم ذات بلکه بعنوان آشکارترین شکل ممکن.

د. برای تعریف زیبایی، نه بعنوان مبهم ترین شکل شاید بعنوان اسم ذات.

10. He may pass them all by as being, answerable or not, of no interest to him.

الف. او ممکن است بعنوان موجود زنده همه‌ی موانع راچه جواب دادنی باشند یانه، یک به یک پشت سر بگذارد.

ب. او ممکن است که از پاسخ دادن به سوالات و یا حتی از طفره رفتن آنها از روی بیعالقگی اجتناب کند.

ج. او میتواند همه‌ی آنها راچه آنهاست که قابل جواب دادن نیستند و چه آنها از روی بیعالقگی اجتناب کند.

د. او ممکن است با این فکر که تمام این سوالات چه قابل جواب دادن باشند چه نباشند، برای اواهیتی دارده که آنها را کنار بگذارد.



مجاز است.

استفاده از:

11. Each of a more or less peculiar or unique kind.

الف. هر یک ممکن است به نوبه‌ی خود منحصر بفرد باشد.

ب. هر کسی میتواند با هماهنگی دیگران منحصر بفرد باشد.

ج. هر کدام کم یا زیاد می‌تواند از نوع خاص آن باشد.

د. هر کدام کم و بیش ویژه یا از نوع منحصر بفرد.

12. As products of the same generation they partake indeed of a common character, and unconsciously illustrate each other.

الف. چون تولیدکنندگان همان عصر، آنهایی هستند که یک شخص را می‌ذیرند و در واقع با همدیگر اورا کامل می‌کنند.

ب. همانطورکه فراورده‌های یک نسل باید خصوصیات مشترک داشته باشند، به همین دلیل است که بطورناگهانی همدیگر را ترسیم می‌کنند.

ج. چون یک شخصیت معمولی ممکن است مورد محبوبیت یک نسل واقع می‌شود، از یخ زده‌همه بطورناخوداگاه او را مجسم می‌کنند.

د. از آنجاییکه حاصل (افراد) یک نسل در واقع از خصوصیت مشترکی بهره می‌مندند و از یخ زده بطورناخوداگاه با مثال همدیگر را شرح می‌دهند.

13. Those who prosecute either of them are generally little curious of the thoughts of other.

الف. معمولاً افرادی که هر یک از آثار را دنبال می‌کنند، هستند نسبت به افکار دیگران کمتر کنجکاو می‌باشند.

ب. بطور کلی مردمی که همه‌ی آنها را رد می‌کنند، "عموماً" از افکار سایرین آگاه نیستند.

ج. بطور معمول کسانی که در مورد نظریات دیگران کنجکاوی نمی‌کنند، آنهایی هستند که یکی از آن دوراً می‌پذیرند.

د. معمولاً "آنهایی" که تک تک آنها را می‌پذیرند، افکار دیگران برایشان کمتر حایز اهمیت است.

14. It is an age productive in personalities, many-sided, centralized, and complete.

الف. حاصل این قرن افرادی است چند شخصیتی، خود محور، و کامل از تمام جوانب.

ب. این نسل مولد شخصیت چند سویه، مرکزی، و کامل است.

ج. این عصر بوجود آور نده‌ی اشخاص فرهیخته، خود محور، و تکامل یافته است.

د. این عصر، عصر پرباری شخصیت‌ها چند وجهی، یکپارچه، و کامل است.

15. The unity of this spirit gives unity to all the various products of the Renaissance; and it is to this intimate alliance with mind.

ب. واين است هماهنگی نزديك با فكر.

الف. واين دوستی صميمى ذهن و فكر است.

د. واين وحدت صميمانه‌ی فكری است.

ج. واين اتفاق نزديك روح با فكر است.



مجاز است.

استفاده از:

16. Or if we begin with the inward world of thought and feeling, the whirlpool is still more rapid,- the flame more eager and devouring.

الف. یا اگر ما دنیای باطنی را با فکرواحساس آغازمیکنیم، چرخه‌ی حیات همچنان با سرعت و اشتیاق بی نظیر در حرکت است.

ب. یا اگر با دنیای درونی تفکرواحساس آغاز کنیم، گرداب هنوزبا سرعت بیشتر حرکت است، زبانه باحرص و ولع بیشتر شعله ور.

ج. واگر با دنیای بیرونی تفکرواحساس رادرک کنیم درنتیجه حرکت آب سریعتر و شعله‌ی حیات وحشیانه وحریصانه تر به همه جا زبانه می‌کشد.

د. اگر ما با چشم سوم با فکرواحساس به دنیا بنگریم، چرخش آب سریعتر و شوق زندگی بیرحمانه به همه جا زبانه می‌کشد.

17. At first sight experience seems to bury us under a flood of external objects.

الف. درنگاه اول بنظر میرسد که تجربه مارازیرطغیانی از اجسام بیرونی دفن میکند.

ب. درگام نخست تجربه، ما را باکوله باری از اهداف دنیای بیرون تنها میگارد.

ج. در نخستین نگاه تجربیاتمان رادر زیر خوارها اشیاء دفن میکنیم.

د. در اولین نگاه گویی که خودمان را درزیر انبوهی از تجربیات اشیاء بیرونی گرفتارکرده ایم.

18. All other appearances may be fallacious; but the appearance of a difference is a real difference.

الف. همه‌ی اجرایی دیگر ممکن است تخیلی باشند.

ب. تمام ظواهر دیگر ممکن است فریبند باشند.

ج. تمام نمایش ممکن است بواقع بپیوندد.

د. تمام ظواهر دیگر ممکن است واقعی باشند.

19. The most idle and frivolous persons take a natural delight in fictitious narrative.

الف. ساده ترین و بی‌آلایش ترین مردم لذت طبیعی را در مصحابتهای رویایی میدانند.

ب. شادی طبیعی برای ساده ترین و خام ترین افراد در روایات جعلی است.

ج. ندان ترین و سطحی ترین اشخاص شادی طبیعی رادرداستانهای تخیلی می‌پندارند.

د. بی‌سوادترین و خام ترین مردم بدست می‌آورند شعف واقعی رادرنقال قول ساختگی.

20. To bring thoughts or images before the mind.

الف. به منظور بیان کردن همزمان جسم و ذهن.

ب. برای آوردن افکار یا تصاویر قبل از مجسم کردن.

ج. قبل از فکر کردن همه‌ی چیز را ببینیم و مجسم کنیم.

د. برای اینکه افکاریا تصور خیال را در ذهن مجسم کنیم.



مجاز است.

استفاده از:

21. Poetry is "an impassioned truth".

- الف. بی احساس  
ب. پرشور  
ج. با حساسیت  
د. ناخوداگاه

22. We should say that eloquence is heard; poetry is overheard.

- الف. ما باید بگوییم که سخنوری شنیده میشود،اما شاعری بیشتر شنیده میشود.  
ب. باید بگوییم که شاعری ناگهانی شنیده میشود،اما سخنرانی بطور ارادی شنیده میشود.  
ج. ما میگوییم بیانیه قابل شنیدنی است،اما ادبیات در اعمق ذهن شنیده میشود.  
د. باید بگوییم که فصاحت شنیده میشود،در حالی که،شعر (بالذات و اشتیاق) مکرر شنیده می شود

23. And as this fidelity induces variety of thought and feeling, so it induces variety of music.

- الف. خیانت القاء میکند.  
ج. بلاغت حاصل...  
ب. دل مشغولی سبب...  
د. صداقت بوجود می آورد...

24....A simplicity emulated without success by numerous modern poets..

- الف. یک سادگی بدون پیروزی بوسیلهٔ بیشتر شاعران دنبال میشود.  
ب. الگوی شاعران مدرن ساده نویسی است بدون اینکه در انتظار موفقیت باشد  
ج. شاعران متعدد بوسیلهٔ مدرن نوعی ساده نویسی را بدون موفقیت نسخه برداری میکنند.  
د. بیشتر شاعران مدرن ساده نویسی را انتخاب میکنند.

25. When a poet's mind is perfectly equipped for its work, it is constantly amalgamating disparate experience.

- الف. زمانی که ذهن شاعر کاملاً درگیر اثرش میباشد، بطور ثابت تجربهٔ ناهماهنگ در هم برهمنمی است.  
ب. هنگامی که فکر شاعر با کارش درگیر است، تجربیاتش را باهم ترکیب کرده است.  
ج. وقتی یک شاعر کاملاً در کارش خبره است، بطور ثابت میتواند تمام تجربیاتش را باهم ترکیب کند.  
د. وقتی ذهن شاعر مشغول کارش میباشد، در واقع با تجربیاتش درگیر است.

26. The ordinary man's experience is chaotic, irregular, and fragmentary.

- الف. تجربهٔ انسان معمولی آشفته، نامنظم، و قطعه قطعه است.  
ب. افراد معمولی تجربه میکنند به صورت تکه تکه، نا منظم، و پر هرج و مر ج.  
ج. تجربیات افراد نرمال بیقاده، پرسرو صدا، و تکه تکه است.  
د. انسان نرمال دارای تجربیات موقتی، ناقص، و در هم برهمنمی است.



مجاز است.

استفاده از:

27. And when this event happened several of their chiefs and men of note rose up and came to Ghazna.

الف. چندتن از رؤسای آنان و قاقدان دست به طغیان زدند.

ب. افسران و مردان اهل قلم ایشان بپاخته شدند...

ج. تنی چند از مهتران و دانشمندان اعتراض نمودند...

د. چند تن از حاکمان و قاقدان برخاستند...

28. "O Earth, gulp down thy waters, and O Heaven, draw them up"; and the water abated.

الف. ای زمین آب را فرو ببر...و آب فرونشست.

ب. ای زمین فوراً آب را فر برد...و به همین دلید آب ذخیره شد.

ج. آبهایت را در درخود فرو ببر...و اینچنین آب افزون گشت.

د. آب را فوراً فرو ببر...آب کمتر شد.

29. This outbreak of the human spirit may be traced far into the Middle Age itself.

الف. این آشوب و بلوای روح بشریت قبل از قرون وسطی هم بود.

ب. این طغیان روح بشری، شاید ردپایی در خود قرون وسطی داشته باشد.

ج. این شکست روح بشر ممکن است قرون وسطی را هم دنبال کند.

د. ممکن است این فاجعه‌ی روان انسانیت تا اواسط قرن ادامه داشته باشد.

30. Suppress this sedition, and put an end to this grave incident.

الف. این آشوب را فرونشان، و این حادثه‌ی حاد را به پایان برسانی.

ب. این خیانت را در نطفه خفه کند.

ج. این شورش را سرکوب کرده و حوادث را دفن نماید.

د. توقیف کناین عملیات را خاتمه دهداین حادثه‌ی غمناک را.